

استقلال و وابستگی:

مبارزه بین دو خط در تاریخ سیاسی ایران

جلد اول

یونس یارسابناب

در دو جلد

استقلال و وابستگی : مبارزه بین دو خط در تاریخ سیاسی ایران

مؤلف : یونس پارسا بناب

چاپ : نیویورک ، انتشارات آذر

چاپ اول : تابستان ۱۳۶۱

فهرست مطالب

— مقدمه

فصل اول : ایران از دوران باستان تا ظهور اسلام

— مقدمه ۱

— پیدایش و تکامل جامعه در ایران ۲

— تکامل جوامع برده داری در ایران ۳

— ظهور و رشد صورت بندی فئودالیسم ۸

در عهد هخامنشیان (از ۵۵۵ تا ۳۳۱ قبل از میلاد)

— مبارزه بین استقلال طلبی و راه انقیاد قوی در ۱۲

عصر سلوکیان (از ۳۳۱ تا ۲۵۰ قبل از میلاد)

— پارتها و رجعت به گذشته : رواج فئودالیسم

چند مرکزی (از ۲۵۰ قبل از میلاد تا ۲۲۸ بعد از میلاد) ۱۳

— تثبیت فئودالیسم دولتی در دوره ساسانیان

(از ۲۲۴ تا ۶۴۲ بعد از میلاد) ۱۶

فصل دوم : ایران از دوران اشاعه اسلام و تسلط اعراب تا

ظهور نیروهای استعمارگر (از ۶۳۷ تا ۱۸۲۸)

— مقدمه ۲۳

— اشاعه اسلام و تسلط اعراب ۲۳

۳۰ - پیدایش و رشد دولت های استقلال طلب

۳۱ - حلقه مغول ها و مبارزه بین انقباد اوس و استقلال خواهان

۳۷ - آغاز نفوذ استعمارگران ایران

فصل سوم: بروسه نیمه مستعمره شدن ایران و رقابت امپریالیستها

(از ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۸)

۳۹ - مقدمه

۴۱ - دین نظر در باره کیفیت رشد حوامع عقب نگهداشته شده

۴۳ - بروسه نیمه تاریخی نیمه مستعمره شدن یک تحلیل اجتنابی

۵۱ - ایران چگونه نیمه مستعمره شد

۸۰ - مناقب نیمه مستعمرگی

فصل چهارم: ایران در دوره دیکتاتوری ضد مردمی رضاشاه (از ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۰)

۸۵ - مقدمه

۸۶ - هدف انگلستان و انتخاب رضاشاه - سید ضیاء برای کودتا

۸۸ - دیکتاتوری ضد مردمی رضا شاه

۹۰ - نفوذ آلمان نازی در ایران

۹۴ - سقوط رضا شاه

فصل پنجم: ایران در دوران آزادیهای دموکراتیک (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰)

مقدمه ۹۷

— شخصیات برجسته این دوره ۹۷

— مطبوعات ۹۹

— مجلس چهاردهم ۱۰۲

— احزاب و سازمانهای سیاسی ۱۰۷

— حزب توده ایران ۱۱۲

— فرقه دموکرات و استقرار دولت خود مختاری در آذربایجان ۱۱۶

— ایران از شکست دیمتر آذربایجان تا سرکار آمدن دولت دکتر مصدق ۱۲۶

فصل ششم: ایران در زمان زمامداری دکتر مصدق (از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲)

مقدمه ۱۳۳

— دوره اول زمامداری مصدق ۱۳۶

— دوره دوم زمامداری مصدق ۱۳۹

— نسخه گیری ۱۴۳

پاورقی ها: ۱۴۷

مطابع: ۱۷۵

تاریخ

بررسی و نگارش تاریخ سیاسی هر کشوری تا کنون از مواضع و نقطه نظرات مختلف صورت گرفته است این مواضع اساساً بر نوع جهان بینی و طرز تفکر نویسندگان است که خود بنویسند و امتیازات طبقات مشخص را در آثارشان منعکس ساخته و مستقیماً نمایان می کنند . بطور کلی میتوان این مواضع را به دو نوع طرز تفکر زیرین خلاصه کرد :

۱- منشاء و عوامل تکامل جوامع در تاریخ شخصیت ها - امیران ، شاهان ، نوایغ ، ابر مرد ها و ظل الله - هستند . روند تکاملی جوامع در واقع ظهور ، رشد ، فعالیت و مرگ این شخصیت ها است این جهان بینی اصولاً به نقش توده های مردم در تعیین سرنوشت خویش گم بها داده و در اکثر موارد - قلم نیز امرا می کشند . مورخین متعلق به این مکتب به نقش " قهرمان " بر بها داده و حرکت توده ها را تابعی از آن ارزیابی میکنند .

۲- منشاء و عوامل رشد جوامع به شخصیت ها بلکه توده های مردم هستند . این جهان بینی با آنکه نقش شخصیت را در تکامل بشری پذیرا است ، ولیکن عامل تعیین کننده در تکامل به بیش از نقش بر حرکت توده ها ارزیابی میکند . مورخین پیرو این مکتب سیاسی " قهرمان " را زاده جنب و محور توده ای مردم و شرایط معینی جامعه دانسته و ظیور قهرمانان و نقش آنان را تابعی از حرکت عظیم توده های بر تحرک محسوب میدارند .

اکثر مورخین تاریخ سیاسی ایران را عموماً از موضع جهان بینی نوع اول شخصیت و قهرمان پرستی - برشته تحریر در آورده و عموماً نیز چون در خدمت طبقات حاکم قلم زده اند لاجرم به مداحان این و آن شاه و حاکم مذهبی تبدیل شده اند . بر خلاف این تاریخ نویسان ، هر از گاهی مورخین نیز از موضع اینک " توده ها آفرینندگان تاریخند " و نه شاهان و پادشاهان به بررسی و نگارش تاریخ پرداخته و امر مداخله بر تحرک و تاریخ ساز مردم را در مراحل مختلف تاریخ سیاسی ایران بررسی و ترمیم کرده اند .

این کتابه که در دو جلد تهیه شده است ، تاریخ سیاسی ایران را بطور مختصر از نقطه نظر

و جهان بین نوع دوم، یعنی از اصل "توده ها آفرینندگان تاریخند" نه شخصیت ها، مورد بررسی قرار می دهد. در بررسی و تحلیل تاریخ سیاس ایران از این موضع و دیدگاه باید به چند نکته مهم توجه کنیم. یکم اینکه ما تاریخ را به خاطر آرزوی از آن حرد بررسی قرار مدهیم. به عبارت دیگر باید از تاریخ بیابونیم. باید از پیرونها و شکست های جنبش های مردمی و حرکت های فسد مردمی، از مبارزات استقلال طلبانه مردم و از انقیاد ظلم طبقات حاکم و بالاخره از انحرافات و درستی های دوران گذشته یاد بگیریم. باید جنبش های مردمی و انسانهای وارسته ای را که در طول قرنیا در فلات کوهستانی و آفتاب زده ایران زیسته و هر يك بقومی بخاطر کسب استقلال و آزادی مبارزه میکردند بشناسیم. از خلال بررسی نبرد بین دو خط مشی - نبرد بین آهور سزدا و اهریمن، تعقل و تعبد، دانش و نادانی، آزاد اندیشی و تعصب، دموکراسی و انحصار طلبی و بالاخره استقلال طلبی و وابستگی - در پیچه تاریخ ایران است که میتوانیم به مسائل سر خود در رابطه با آینده انقلاب و بازسازی ایران پاسخ و راه حل های مناسب پیدا کنیم.

دوم اینکه در بررسی تاریخ سیاس باید توجه کرد که صورت بندی سیاس - اجتماعی هیچ جامعه ای ابدی و تغییر ناپذیر نیست بلکه در طول تاریخ به موازات تغییراتی که در ساختار اقتصادی و مناسبات تولیدی آن جامعه پدید میآید در سازمانهای سیاس - دولتی و حقوقی و نظامی - و دیگر نهاد های آن جامعه نیز تحولاتی روی میدهد. در نتیجه این تحولات معتقدات سیاس و جهان بین اجتماعی و فرهنگی مردم نیز دستخوش تحول قرار گرفته و تغییرات دگرگون میگردد. اما شکل بروز و تکامل این تغییرات در ساختار اقتصادی و مناسبات تولیدی با تسدی و کندی تحول آنها و بالاخره ویژگی این تغییرات بسیار متنوع بوده و از کشوری به کشور دیگر تفاوت میکند. روی این اصل در بررسی تاریخ ایران نباید به تحلیل (Appreciation) یک رشته معقولات شونیک بر تاریخ بسنده کنیم. بلکه باید به تجزیه و تحلیل شخص برداشته و بسدین ترتیب از شرایط شخص دوره های مختلف تاریخ سیاس ایران جمع بندیها و نتیجه گیریهای شخص ارائه دهیم.

سوم اینکه در بررسی تاریخ ایران هرگز نباید دچار احساس تعصب ملی و شوونیستی نسبت به دیگران و گزاف گوئی درباره ایرانیان شوم. اگر ما در تاریخ به مثابه ساکنان ایران از اقوام و ملل

دیگر تجاوز و ستم دیده ایم بنوع خود از شرکت در ستم و تجاوز به اقوام دیگر میستیم * ولی هم در مورد ما و هم در مورد دیگران مسئول واقعی قشر های توانمند قدرت های حاکمه بوده اند که آزمودانه خواستار توسعه و حفظ امتیازات طبقاتی خود بوده اند * افتخار ما باید به آنچه متری و رفاه بخش است * به ابداعات علمی و آفرینش های فولکلوریک و اندیشه های رهائی بخش مردمی باشد نه به ستم ها * انحصار طلبی ها و تجاوزات * در ایجاد تعدی که تمدن ایران محسوب میشود هم مردم ایران و هم بسیاری از مردمان کشورهای دیگر از چین و هندوستان گرفته تا کشورهای عربی * یونانی و اروپائی نقش داشته اند * لذا امروز مشروع و صحن پرستانه ما باید در همین حال با احساس همبستگی و علاقه و احترام به سرپرست و مدنیت دیگر خلقها و ملت ها نیز همراه باشد *

بلاخره * در نگارش این کتاب علاوه بر اینکه نکات فوق الذکر مورد رعایت قرار گرفته است اصل مهم دیگر نیز مد نظر نویسنده بوده و آن بررسی و تعمین حیات مبارزه بین دو خط شسی سیاسی - مبارزه بین استقلال خواهی و وابستگی - در سراسر تاریخ تکامل جامعه ایران بوده است * در تحلیل نهائی * آینده انقلاب و بازسازی ایران به نسبت بسیار قابل ملاحظه ای به نتیجه مبارزه بین این دو خط سیاسی بستگی کامل دارد *

تابستان ۱۳۶۱ / ۱۹۸۲

فصل اول :

ایران از دوران باستان

تا ظهور اسلام



مقدمه

بررسی تاریخ کامل جوامع نشان میدهد که صورت بندی اقتصادی - اجتماعی هیچ جامعه ای ابدی و تغییرناپذیر نیست بلکه در طول تاریخ به موازات تغییراتی که در ساختار اقتصادی و مناسبات تولیدی و فرهنگی آن جامعه پدید میآید در دیگر نهاد های آن جامعه - سازمانهای دولتی و حقوقی و قضایی و حتی در ادبیات و هنر و دیگر فعالیتهای اجتماعی - نیز تحولاتی روی میدهد و در نتیجه معتقدات و جهان بینی و آداب و رسوم مردم آن سرزمین نیز متغیر و دگرگون میگردد . اکثر دانشمندان تاریخ تکامل جوامع مختلف براین عقیده اند که تاریخ جوامع انسانی در جهان کامل اقتصادی - اجتماعی خود از صورت بندیهای مختلف ولی بهم پیوسته میگردد . شکل بروز و تکامل این نظام ها ، تعدی و کندی تحول آنها ، چگونگی آمزش اشکال کهنه و نوین و ویژگی این اشکال بسیار متغیر است . بنا بر این نمیتوان تنها به تحلیل منطقی متغیلات ظویری که بر تاریخ پیافه کرد ، بلکه باید از من جزئیات به کل ، از من تجارب خاص تاریخی به نتایج عام ، و از کل من تاریخ به یک منطق عام دست یافت . به عبارت دیگر در بررسی تنوع و درجه بندی های متعدد یک جامعه معین باید به تجزیه تحلیل مشخص دست زد و اصول عام مأخوذ از تاریخ را بصورت موثر و خلاق با شرایط خاص جامعه تطبیق داد . لذا بجای جستجوی اشکال یونانی - رومی بردگی در ایران بجای یافتن اشکال فرانسوی - آلمانی - نئودالسم در ایران بجای جستجوی شکل انگلیسی - هلندی رشد سرمایه داری در ایران باید به دنبال یافتن آن اشکالی رفت که در ایران پدیدار گشته و در عملت و سرسبخت خود و در شکل بروز و تکامل خود ویژگیهای یگانه و مشخصه خود داشته است . بدین ترتیب میتوان

از شرایط مشخص دوره های مختلف تاریخ ایران تحلیل ما و جمع بندیهای مشخص داد *

در این فصل کوشش حکیم که یک بررسی اجمالی از ظهور و تکامل جوامع باستانی در ایران را ارائه دهد * این بررسی میتواند به تشخیص و درک ما از تکامل تاریخ سیاسی ایران در قرون اخیر کمک کرده و ریشه های تاریخی و سنتی ویژگیهای مردم ایران را بنا معرفی کند *

پیدایش و تکامل جامعه ایران

تحقیقات زمین شناسی نشان میدهد که ظرباً بیست و چند هزار سال قبل از میلاد مسیح زمانیکه قسمتی از اروپا را یخ بندان گرفته بود * فلات ایران در زیر آب بود و کوهپایه دریاچه بزرگی را تشکیل میداد. در جریان دهها هزار سال فلات ایران (بقرای ۱۵ هزار سال قبل از میلاد مسیح) تدریجاً در نتیجه تغییر آب و هوا از زیر آب درآمده و تا آنجا که اطلاع در دست است انسان ما قبل تاریخ برای اولین بار در این زمان در فلات ایران ظهور کرده است *

انسانشناسان این مرحله از تکامل در ایران را به سه دوره تقسیم کرده اند :

دوره اول در حدود هزاره پنجم قبل از میلاد شروع میشود * مردم در این دوره بیشتر از طریق شکار زندگی میکردند و هنوز به طرز ساختن خانه آشنا نبودند * آنها شش شکار حیوانات فعالتهای فلاتی را نیز توسعه بخشیده و مازاد محصولی را که از طریق فلاحت و املی کردن حیوانات بدست میآوردند، ذخیره نمیدوید *

دوره دوم در حدود هزاره چهارم قبل از میلاد آغاز میشود * در این دوره وضع دهکده ها رویه بهبودی نهاده و استفاده از کار اجتهای در ساختن خانه * هموار کردن زمین و بکار بردن نخستین از مشخصات فعالتهای تولیدی بوده است * در این دوره افزایش تولید به توسعه تجارت گت کرده و حشمت خام اختراع گردیده است * در این دوره کوزه گری رواج پیدا کرده و بسه روایی فلات ایران زادگاه اصلی ظروف منقوش بوده است. هم چنین فلز برای ساختن ابزار

جود استفاده قرار گرفته و از سردرغهای کوچکی میساخته اند *

در دوره سوم از این مرحله تکاملی صنعت (اجر سازی پیشرفت کرده و ساختن خانه های محلی معمول بوده است کهنهای اولیه حداقل تا سه هزار سال قبل از میلاد مسیح بوجود خود فلات ایران ادامه داده و تدریجاً به صورت بندیهای مختلف برده داری تغییر یافته اند *

با توجه به سه دوره فوق میتوان ویژگیهای اقتصادی-اجتهای این زمان را به صورت

زبان کرد :

۱- چون کار انسان بر حسب امکانش بوده، تولید انسان صدتا جنبه جمع‌آوری اغذیه داشته است.
در این دوره بشر در مقابل قوای طبیعت بسیار ضعیف بوده است.

۲- ابزار تولید بسیار ابتدائی بوده و صدتا جنبه شکاری داشته و معمولاً از چوب و سنگ ساخته شده است. ولی از اواخر دوره دوم این مرحله تپه‌ن‌ها فلز برای ساختن وسایل تولید مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- بحالت ابتدائی بودن وسایل تولید، طبقات موجود نبوده است. زیرا انسان از طریق شکار گله‌داری و کشاورزی ابتدائی فقط به اندازه زنده نگه‌داشتن خودش می‌توانسته تولید نماید.
طبیعت در این دوران مالکیت جنبه اشتراکی و همگانی داشته و ابزار تولید و محصول شکار بصورت همگانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۴- توزیع شکل عام داشته و بر حسب احتیاجات افراد بوده است. بعبارت دیگر در این دوران قانون "از هر کس بر حسب امکانش و به هر کس با اندازه اجتنابش" حکم فرما بوده است. امر بقاء همگانی در مقابل تأملیات و خطرات طبیعت باعث شده که کار دسته جمعی بر تأملات فردی و با ظایفه‌ای جنبه غالب پیدا کند.

۵- در این مرحله بحالت عدم وجود طبقات عدولت با مفهوم "دولت نمانده" اعمال قدرت سیاسی طبقه با طبقات حاکم موجود نبوده است و مذهب بصورت طبیعت پرستی رواج داشته و شکل پس‌تشیسم (چند خدائی) معمول بوده است.

۶- شکل خانواده با مفهوم امروزی خانواده کاملاً متفاوت بوده و مونوگومی (تک همسری) موجود نبوده است و کودکان متعلق به قبیله بوده‌اند. هر فرد در این دوران بیشتر جنبه رئالیسم و واقع‌گرایی داشته و از چهارزه انسان طبعه طبیعت و از تأثیرات آن که انسان روی طبیعت می‌گذرانده الهام می‌گرفته است.

تکامل جوامع برده داری در ایران

در حدود سه هزار سال قبل از میلاد پرمیان ایران از اجتماعات اولیه کمونی درجه اول گروه‌های اجتماعی مستحکمتر که توسط حاکم منتخبه عمومی اداره می‌گرد، شکل‌گیری پیدا کرد.
این گروه‌ها بطور پراکنده و مجزا در نقاط لر، شمال لر، شمال شرقی و مرکز ایران متمرکز

یافتند • قدرتهای موجود نظیر سومیان • باهلان و آشنیها که دارای تمدن پیشرفته نظام بردگی بودند در جهان تکامل جامعه کهنی ایران به جامعه برده داری تاثیر داشتند • قبایلی کهنه در غرب ایران زندگی میکردند شایان ساکن بودند که به امور کشاورزی نیز اشتغال داشتند • این قبایل با حفظ ترکیب قبیله و قبیله ای خود گاه با یکدیگر متحد شده و اتحادیه ای را تشکیل میدادند هر قبیله از چندین کُمن قوی تشکیل میشد که در رأس آن بهترین افراد قوم قرار داشتند •

بدین ترتیب در حدود دو هزار سال قبل از میلاد حکومت ایلام در ایران بوجود آمد که در تاریخ به عنوان یکی از معروفترین دولت‌های برده داری آفریقا محسوب میشود و پایتخت آن شوش بود • در واقع این حکومت تبلور اولین قدرت مطلق برده داری در غرب فلات ایران بود •

در ضمن دوره فلات ایران مورد هجوم تدریجی و مداوم اقوام هند و اروپایی • که از طریق نواحی کوههای قفقاز وارد میشدند • قرار گرفت • این اقوام بتدریج به دو گروه بزرگ تقسیم شدند • ۱ - گروهی غیر از طریق دریای سیاه به اسهای صغیر روان شدند و در آنجا تمدن هیتاینها را در ترکیه فعلی تشکیل دادند • بخشهایی از این گروه بعدها به سرزمین های اروپای مرکزی و غیره روان گشتند •

۲ - شاخه شرقی که به اسم هند و ایرانیها معروفند (به فلات ایران سرانبر شده و سپس به سوی شرق ایران به طرف شبه قاره هندوستان روان شدند • (آریائیها)

هجوم این اقوام بخاطر ازدهاد جمعیت و همچنین اکتانیه حیوان داری و تسلیح به سرزمینهای سبز و حرم بود • آریائیها مدتها در دوره تاریخی برده داری به اقوام مختلف تکامل یافته و پیوسته برده داران بزرگ تبدیل شدند • در تاریخ اقوام اسلاو و صحرانام که آنها همیشه توسط آریائیها به اسارت کشیده میشدند • اسلاوها مردمان کشاورزی و آریائیها مردمان گله دار بودند با هجوم آریائیها به فلات ایران این قبایل گله دار در نقاط مختلف از جمله نواحی دریاچه ارومیه و نقاط دیگر آذربایجان مستقر شدند • یکی از مشهورترین قبایل آریایی مادها هستند • قبایل ماد که در شمال غیره فلات ایران ساکن شده بودند با دشمن سرسختی مانند آشیوها طرف بودند و معمولا از طرف آشیوها مورد هجوم و غارت قرار میگرفتند و به این دلیل قبایل مختلف ماد مجبور شدند با وحدت با یکدیگر از خود دفاع نمایند به این علت نیز نام پایتخت خود را هکتابه (اجتماع) گذاشتند •

در آغاز هزاره اول قبل از میلاد دو واقعه مهم در حیات اجتماعی و اقتصادی مردمان آسیای جنوب غربی تأثیر بسزایی گذاشت. یکی هجوم اقوام آریایی به فلات ایران، بین‌النهرین و شبه‌قاره هند بود و دیگری کشف و استعمال ریزآهن من. در این دوره تمدنهای پیشرفته تر و قوی، که در دژه‌های دارای آب و هوای مطبوع (مثل تمدن سری‌ها در دره نیل و تمدن سومریان در دره‌های بین دجله و فرات معروف به تمدنهای بین‌النهرین) بوجود آمده و تکامل یافته بودند، به نواحی که از جهت آب و هوا کمتر مناسب بودند نفوذ یافته و فلات ایران را به جولانگاه سحاربات و تمدنهای بزرگ برده داری تبدیل ساختند در این دوره مشخصه قدرت بزرگ برای

تسلط به مبارزه برخاستند :

۱- آشوری‌ها که اساساً سالی بودند شاهنشاهی وسیعی را بوجود آوردند.

۲- آریایی‌ها که اساساً آریایی بودند و رقیب سرسخت آشوری‌ها محسوب میشدند *

۳- اقوام آریایی که با وحدت خود برد و خریف چهره گشته و بتدریج دولت مرکزی شاهنشاهی را در فلات ایران پایه گذاری کردند *

در جهان هزارتا پانصد سال قبل از میلاد صبح بتدریج که نیروهای تولیدی رشد پیدا کرد کشاورزی در فلات ایران توسعه یافت. بخش از خاندانها قادر بر زیادی از زمین را به مالکیت خود درآوردند و زمین داری را در ایران برپا انداختند. در این دوره مردم بر حسب قبایل تقسیم شدند و قبیله صاحب نفوذ، که دارای نفوس بیشتر با آمزش از برده و زمین را دارا بود، تأثیر مهمی در اوضاع و احوال سیاسی کشور میگذاشت. در قلمرو اتحادیه ای قبیله ماد، افراد جامعه بطور کلی به دانداری اشتغال داشتند و از زراعت نیز، که بیابان آمباری منسوب بود، اطلاع داشتند. مردم به پرورش اسب اهمیت خاصی داده و در کل دانداری (مخصوصاً گوسفند دگر و پرورش شتران دو کومان) رونق داشت.

در هزار سال قبل از میلاد پیشرفتهای مهمی در تولیدات و زندگی اجتماعی کشور ماد و نواحی قفقاز و نقاط دیگر ایران صورت گرفت. انسان ها تولید طرخ را آموخته و چرخ کوزه‌گری را در همه جا بنا کردند. کار انسان مهمترین وسیله تولید در این دوره بود. در اوایل هزاره اول اسطوخودوس از آهن نیز رایج گشت. ابزارهای کانال کنی، فلاتک و غیره توسعه یافت. خانه‌ها در این دوره از

خشت خام ساخته میشدند *

در سرزمین ماد * پس از بهیشت زراعت و کله داری و تقسیم کار و پیدایش حرفه های جدید * در نتیجه کار بردگان و استثمار قشرهای محروم اندک اندک سران قباایل شریعتی شده و اختلافات طبقاتی طبیعتاً ایجاد و نسبی پیدا کرد * در این دوره چهار طبقه در جامعه ایران شکل گرفته و تکامل یافتند *

۱- بردگان * که شامل افراد بیس چیز و اسرای جنگی بودند * باستان شناسان به ثروت فوق العاده بزرگان ماد اشاره میکنند و این دلیل بر وجود دستگاه اقتصادی کلاسیک برده داری است * ولی با این حال چنین به نظر می رسد که وضع بردگان آشور و دیگر کشورهای خاور میانه دشوارتر از وضع بردگان در سرزمین مادها بوده است * طبق قانون ماد اگر آزادی صاحب زمین زمین خود را از دست بدهد * میتواند وجود خود را به آدم حوالی که تغذیه او را تعهد کند منتقل نماید * با این تفاوت که هرگاه از وضع خوراک و پوشاک خود ناراضی میشد میتواند صاحب خود را ترک کند * بنابراین یک نوع استثمار نیمه پدرشاهان ونیمه برده داری در این دوره وجود داشته است *

۲- برده داران که شامل شاهان و اعیان و اشراف بودند *

۳- عزارمین آزاد ، که بیشتر به شکل یک خانوار با مجموعه ای از چند خانوار به کار کشاورزی در نقاط مختلف فعالیت داشتند * اینان همچنین به کار دانداری محلی نیز می پرداختند *

۴- همیشه بران آزاد ، که در دهات و نقاط مختلف مسافرت کرده و به فعالیت های مختلف مشغول بودند *

این دو بخش آخر به صورت دو مجموع تحت فشار و سلطه برده داران بوده خود هنوز به سه طبقات فیزی و خانام تبدیل نگردیده بودند *

در این دوره مالکیت بر برده شکل صوم و جنبه غالب داشت * اما مالکیت بر زمین شکل نهر موسی داشته و نهر مده بود * بردگان تحت شرایط سخت * دارای سر کوتاه بوده و اغلب کشته میشدند * برای برده ها در تحت استثمار تویح به صورت نهر ماد لانه رواج داشت * در نقاط دیگر که زارعین

خود روی زمین کار میکردند، تقسیم عادلانه تر و سطح زندگی بالاتر بود.

در این دوره شاه که نماینده طبقه بردگان بود حکومت مرکزی را جایگزین حکومت‌های منطقه و تحت‌الحمایه ساخته بود. اصولاً امپراطوری ماد از اضمحلال قبایل مهم قوم ماد تشکیل یافته بود. طبقات و اصناف دولت که بیشتر از پیش از توده‌ها جدا شده بودند، شکل مستبدتری به خود گرفته و استعمارنم و سمعتری‌بخود گرفته بود.^۷

دین در ایدئولوژی و معتقدات شرق باستانی نقش مهمی بازی میکرد. دین مادها در هزاره اول قبل از میلاد یعنی بر اعتقاد به خدایان صفتها بود. از تصاویر ایلیم‌های مجیب الخلقه که نیمه دزد و نیمه آدمی بودند و از پیکره‌های حیوانات مجیب‌تفلی که بدن شیر و بال طباق و غیره داشتند، میتوان براندیشد. مذهب مادها بی‌برد، کم‌شخص و معتقدات باطل‌ان در افکار ماد تأثیر گذاشته بودند. در این دوره با اینکه مذهب در خدمت قدرت حاکم شکل مرکزی یافته بود ولی هنوز تأثیری در امر اداره سلطنت بطور مستقیم و عمده نداشت.^۸

در زمان مادها خانه‌ها از خشت خام و طواریات یک طبقه (که دارای جلوخان و ایوانی بودند که برستوبهای چوبی تکیه میکردند) ساخته میشد. در بخش‌پیشه‌ها و کارهای هنری، حکاکی روی مرغ و آهن در این زمان رواج پیدا کرده و نساجی و سفالگری پیشرفت زیادی کرد. در هزاره اول قبل از میلاد خط و کتابت در شرق زمین وجود داشته و طبق مدارک موجود، در قرن هفتم قبل از میلاد در سرتا سر کشور مادها خط و کتابت رواج داشته، که به اسم خط باستانی پارس معروف است.

از نظر اجتماعی، زبان در این دوره بدون حجاب (چادر) در اجتماع ظاهر شده و در فعالیت‌های دوشاد و شربدان شرکت داشتند. ولی در مراحل بعدی این دوران، وقتی که رژیم پادشاهی بطور کامل مستقر شد، تا حدودی از اختراعات زبان کاهته شد.

از معروفترین پادشاهان این سلسله "هوخ شتر" و "آستاز" بودند. آستاز بارها به نینوا (پایتخت آشوریان) لشکر کش کرد و بالاخره این بزرگترین امپراطوری برده داری را برانداخت. مادها در آغاز قرن ششم قبل از میلاد قبايل پارس را که در نواح جنوب غرب ایران سکونت داشتند تحت تسلط خود درآوردند. ولی این توسعه باین نهاد طول نکشید زیرا در همین دوره بعضی

از قبایل پارس بهیژه هخامنشیان علم طغیان برافراشته و در راه استقلال از مادها حرکت درآید
در دوران آستار تبادهای قوی و طبقاتی در درین قدرت حاکمه چنان تشدید پیدا کرد که وقتی
کورش در رهبری قبایل پارس به جازیه طایفه سلسله مادها برخاسته سرداران طایفه ارتش
آستار را گرفته و تسخیر کورش دادند *

ظهور و رشد صورت بندی فئودالسم در عهد هخامنشیان (از ۵۵۸ تا ۳۳۱ قبل از میلاد)

مهاجرین آریایی که به فلات ایران مهاجرت کرده بودند بطور کلی بعد از مادها بدو بخش عمده
تقسیم شدند :

بخش اول عموماً به گله داری پرداخته و در مناطق غرب فلات ایران (دراوس همدان و آذربایجان
کنونی) سکنی گزیدند * ماها مشهورترین قوم این بخش بودند *

بخش دوم عموماً بکار زراعت پرداخته و در حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد در ناحیه پارس و مناطق وسیع در
شرق شوشتر اقامت گزیدند * مشهورترین قوم این بخش پارسها بودند * اینان با استفاده از ضعف

ایلام حکومت را در مرکز ایران تشکیل دادند * هخامنشیان بعد از مادها به رهبری کورش بر مادها طایفه
کردند * انتقال قدرت از مادها به هخامنشیان چنان ماهرانه و بی سر و صدا صورت گرفت که

دنیای خارج حکومت پارسها را همان حکومت مادها میدانست * در ظاهر این چنین به نظر میرسد
که شکست مادها توسط هخامنشیان صرفاً انتقال حکومت در درین طایفه حاکمه از دستی بدستی

دیگر بود * ولی در واقع ایجاد سلسله هخامنشیان بر بنای رشد قدرت منطقه ای فارس که در
آن زمین و داندانان آزاده شکل طبقاتی مالک و زارع به نوع اولیه را داشتند بود بسیار

این ایجاد این سلسله به پیشرفت و ترقی روابط فئودالی در ایران کمک کرد * شواهد تاریخی
دوران این سلسله حاکمیت که هرچه منطقه نفوذ این سلسله از حاکمین ناحیه ای بسط

ساتراپها گسترش یافت * نفوذ این رابطه "رابطه فئودالی" ضعیف تر گردید * هر چند ساتراپها
توانستند بعضی تضادهای حاد بردگی مثل اسارت عمده یک قوم (کلیمان در بابل) توسط یک دیگر

را حل نمایند (بخاطر منافع توسعه طلبانه امپراطوری ایران) ولی در مجموع نتوانستند نه بنای
اجتماعی حاکم در آن مناطق را کاملاً از بین ببرند * با اینکه بعنوان یک عامل خارجی بر آن ظاهر گذارند

ولی قادر به دگرگون کردن آن بطور اساسی نشدند * در دوران هخامنشیان شهرهای منظمی

خصص

به صورت مستقل و با همان وضع حکومتی سابق باقی مانده و فقط مالیات به حکومت مرکزی سپرد^{۱۰}

این مسئله نه فقط به خاطر وسعت و پراکندگی امپراطوری لازم بود بلکه بخاطر تعالیات نفوذالسی حاکم در پارسهای فاتح نیز میتوانست باشد • همچنین ما در زمان هخامنشیان نشانه هایی از بوجود آمدن واحهیت فامیل و خانواده را می بینیم که بعدها در تاریخ ایران رل مهمی را بازی کرده است • مائکم و و نشانه های بسیار از نفوذالاسم حاکم بر ایران در زمانهای بعد جدا و جدا خود را در هخامنشیان پیدا کردند •^{۱۰}

از معروفترین پادشاهان این دوره داریوش اول است که کودتای داریوش گیوماتا (بردهای دروسی ار خشن ساخت • وی نخستین بانی یک سازمان منظم دولتی است که به مقدار زیادی از چهاربالاتوام کهتر در این زمینه و از آن جمله آئینها بود • در زمان داریوش جنبش های زیادی اتفاق افتاد بر از میان کار گیوماتا شخصی بنام فروریوش فراصورت که خود را از خاندان گنکاسار بشمرده و همچنین شخص دیگری از اهالی پارس بنام و میزداته که خود را مانند گیوماتا پسر کوروش خوانده • شورشهای بودند که به جهت پشتیبانی توده مردم بهشتیهای سرتاسری تبدیل گشتند •^{۱۱}

دستگاه حکومت هخامنشیان با گرفتن خراجهای سنگین • عارت تصرفات خنی • مانند سر • سوره لیدی • یونان و غیره • اخذ مالیاتهای گوناگون از معاهد شروصند بابل و اورشلیم • اخذ عوارض کر شکن از مردم و استفاده از کارگران • در ثروت و جملوطن بربری و فساد ناشی از طفیلیگری فروروست • استادی که در شوش در محل کاخ داریوش اول هخامنشیی یافته شده نشان میدهد که اسپن پادشاه چگونه از صالح و مواد تمام دنیای آن روز از سودان تا هند و از یونان تا سر برای ساختن و آراستن کاخ منظم خود استفاده کرده و چگونه دهها قوم در این کاخ بصورت بندگان داغ شده در حال مزدی ناچیز مشغول بکار بودند • سخنان حک شده ای داریوش از تعالیات اشرفهست پارس به برخورداری از لذات قدرت و ثروت حکایت میکند • به همین جهت هنگامی که اسکندر مقدونی با سپاهیان یونانی خود به این امپراطوری بزرگ هجوم آورد • همت حاکم ای پسرزرق و برق و از دین بوسیده • براس انبوهی از اقوامی که پیوند اقتصادی و فرهنگی میان آنها بسیار نشت و نزدیک به هیچ بود و با سپاهیان غالباً مزدور با دهقانان و پیشه ورانی سخت ناراغسی • بطرف صلالت بیرونی خود ناگهان فرو پاشند و ظهور یک سردار جوان حادثه جوشد • در اواخر دوره

حفاظتشان سازات طبقاتی و جنبشهای اعتراضی مردم ماسی سرکوب شد ولی آتش انقلاب و
 طغیان هرگز خاموش نشد. ظل تابعه یکی بعد از دیگری شورش کرده و وحدت کشور و حیات شاه
 را بالاخره به خطر انداختند. جنگهای دانشی که در هریک از مستعمرات بسن آنها و فلسطی را در
 می گرفتند ریحا به تجربه و سقوط این شاهنشاهی کمک کرد. ۱۲

در این دوران ابزار تولید نسبت به گذشته رشد فراوان کرد استخراج مواد معدنی نظیر آهن
 طلا، نقره و همچنین استفاده از چرخ و ارابه و صنعت جاده سازی رواج یافت. جاده شوش با
 ۲۷۰۰ کیلومتر طول مجهز به ۱۱۱ کاروانسرا بود. جاده های سنگفرش که حتی گاه شیارهای حرکت
 چرخ در آن تعبیه میشد و چابراهین مجهز به اسبانی که برای اولین بار سمهای آنها با کفهای ازده
 که سلف نعل است پوشیده می شد بوجود آمد. در این زمان ابزار و آلاتی نظیر کنگک، داس، خیش،
 تبر، اره، دهانه و نعل برای اسب را از مغرب به تعداد زیادی مهاجرت دادند. ۱۳

طبقات حاکمه شامل دو بخش عمده برده دار و مالک ارضی بوده و طبقات بائین احتیاج شامل
 برده ها و زارمین بودند. طبقه پیشه و ریهازگانان و دهقانان آزاد نیز به عنوان طبقات میان اجتماع
 بوده و به تکامل تاریخی خود ادامه می دادند. کارآسان و زمین وسایل عمده تولید اقتصادی در
 این دوران بود. منبع اصلی ثروت در زمان شاهنشاهی زمین بوده و بنظر می رسد که تحت فرمانروایی
 شاهنشاهی و بعدها ساسانیان شاه بطور رسمی مالک تمام زمینها بود و مردم آن زمینها را بس
 عنوان قبول اشغال می کردند.

بزرگترین مدترین تعاقبات اقتصادی را در این دوران انجام می دادند و ملک بزرگ جفای معمول
 فلاحتی در سیر حفاظت بوده و توسط ریهای وابسته بزمن، که با خود زمین خرید و فروش می شدند
 و همچنین بوسیله غلامان که بر اثر فتوحات همراه می آوردند، کاشت می شد. فلاحت کلید صنعتی
 کشور بود و به منزله مشغولیت طبیعی مرد آزاد ظنی می شد. ملک کوچک وجود داشت اما احتمالا
 نسبت به املاک بزرگ کم اهمیت می نمود. این نوع املاک کوچک مخصوصا در فارس کشور ملت مخدوم
 که از مالیات و عوارض معاف بود و دهقانان آن آزاد و مالک زمین بودند، وجود داشت.

هر مادشاهی که می خواست به طایران و لشکریان خود حقوق بدهد مقداری زمین به آنان می
 بخشید و این زمینها در واقع متعلق به شخص شاه بود و آنها را برسم بخشش و قبول به اطرافیان

و نادر خود بی داد و آنها حق فروش آنها را نداشتند * هر یک از پادشاهان شاه در ارزی استفاده از
 چنین زمین مکتف به انجام خدمت خاص برای شاه بود * اما او حتی حق سلب مالکیت با انتقال از
 خود را هم نداشت * هر چند در سالهای متفاوت این سلسله تغییراتی در نحوه مالکیت صورت
 پذیرفت * ولی بطور کلی در این دوران مالکیت بر زمین شکل عمده و مالکیت بر برد * شکل غیر عمده * بخود گرفت
 در این دوران بین درآمد و مخارج طبقات مختلف اختلافات فراوان موجود بوده است حقوق سر
 بازان بیشتر از کارگران بود و قوه خرید کارگران بسیار ناچیز بود * بدین ترتیب طبقات پایین احتیاج
 بسیار کم گوشت صرف می کردند * بطور خلاصه می توان گفت که توزیع نامعادله و بر حسب توزیع
 ۱۴
 «دائلاً ما محتاج برده و رعیت بوده است»

در مورد هخامنشیان نوع حکومت استبدادی مطلق شاهنشاهی بود * شاه خود را نماینده امور
 مزاد می نمود و چون شاهان در زیر فرمان او بودند بنام شاهنشاه خوانده می شد * دایوش
 تصرفات خود را به عمده ای ساتراپ نشین تقسیم کرد و یک شهریان (ساتراپ) از افراد خاندان شاه
 با از جانب اشراف پارس بر راس این واحد ها گذاشت * در زیر دست ساتراپها دبیران امور وصول
 خراج و گوشتها و چشمهای شاه * طایفه مراقبت بر شهریان بودند * قرار داشتند * برای اداره این
 دستگاه اداری شرفیابهای ارتباطی بصورت حاده های سنگفرش ساخته شده بود که شوش و
 استخر و تراکز مهم دیگر حکومت مرکزی را با دورترین ساتراپها مربوط می ساخت *
 ۱۵

کثیر زرتشت که از ابالت بلخ قدم بصورت سراسر ایران را فرا گرفته بود در اواخر حکومت هخامنشیان
 هخامنشیان به پارس نیز نفوذ کرد و مزدیسنا بوجود آمد * در زمانیکه شکوه حکومت هخامنشی جای زندگی
 فقیرتها را گرفت مزدیسنا ایدئولوژی انتقال از نظام دودمانی با آئین دین کهن (که ناتوالیست بوده) ^{۱۶}
 به نظام مختلط بردگی - پاتریارکالیست (که شاه مستبد بر راس آن قرار داشت) را نمایندگان میگرد
 به این سبب در مزدیسنا * اهور مزدا * خدای واحد * جانشین یسوع خدای (پلی تیسیم) دین کهن شد.
 هدف مزدیسنا تعلق نماید زردشتی با سنن و اندیشه های کهن ایرانی بود * دین زرتشت بطور
 عمده دین ناتوالیستی است ولی مناسبات اجتماعی نیز در این دین انعکاس پیدا کرده خود را دارد
 یافته است * مزدیسنا آموزش خود را بر قبول نبرد دو پدیده متضاد اهور مزدا و اهریمن مبتنی ساخته
 و معتقد است که سراهای هستی از این نبرد که به پیروزی اهور مزدا ختم میشود * آنباشته است

احترام به آتش، مظهر روشنایی در آئین زرتشتیك اصل است. در این دین پرستش شعله هابسی که دائما در آتشگاه مسوز و دایما با تقدیم هدایائی بوقیعت میشود رایج است. از آتشکده ها مشهور زمان هخامنشی سه آتشکده محل ستایش مخصوص بوده که در آنها سه آتش بزرگ قرار داشت
۱- آذر بُرُغ ۲- آذر گشسب ۳- آذر پَرین مَهر.

۱۶

پس از تشکیل دولت هخامنشی همه یوز کشیدن ظل صاحب خط مثل آرامی ها، آشوری ها و بابلیها، حکومت هخامنشی بحکم احتیاج بهراز وارد کردن تغییرات در بعضی از خطوط معموله خط میخی و خط آرامی را برگزید. خط میخی از خطوط سومینهای قدیم و خط آرامی از نوع خط میخی بود. خط آرامی در معاملات تجاری و برای نوشتن اسناد بر روی کاغذهای پوستی نگار میرفت. ولی خط میخی فقط در نقش کتیبه ها مورد استفاده قرار میگرفت. هنر هخامنشی عهد و سومین دربار بود و نسبتاً بطور آزاد سحنه های مربوط به زندگی روزانه مردم را در آثار خود منعکس کنند. هنر معماری در این عصر بیشتر تلفیقی از معماری بابلیان یونانی ها و سری ها با هنر خاص ایرانی بود.^{۱۷}

بطوری که از اسناد تاریخی، بر مآباید از دهر باز در تخت جمشید و هکاتانه کتابخانه و مراکز علمی و دفاتر و اسناد فراوانی وجود داشته که فقط روحانیون و طبقات ممتاز میتوانستند از آن بهره مند شوند و همین طبقاتی بودن علم باعث شد که علوم توسط طبقات حاکمه قبضه شود. درست است که ایران باستان مرکز تبادل افکار و آراء علمی سرتاسر خاور میانه بوده است و دربار شاهنشاهی ارزش زیادی برای دانشمندان قایل بود ولی علوم در این چهار طبقات ترویج شده است.

از مآباید اختلافات طبقاتی، به اسارت کشیدن اقوام مختلف رواج فساد و ظلم توسط پادشاهان و

درباریان، استرس فزاینده های برده و رعایا، پیش از بیش باعث شد که پایه های مردم هخامنشی به تدریج متزلزل گردد. با اوج گیری تفرقه های درون قدرت حاکمه، اسکندر مقدونی به آسانی توانست ایران را مورد حمله قرار داده و خاندان هخامنشی را سرنگ سازد.^{۱۸}

مبارزه بین استقلال طلبی و راه انقیاد قومی در عصر سلوکیان (از ۳۳۱ تا ۲۵۰ قبل از میلاد)

درباره اسکندر سخن بسیار گفته اند. برخی او را بعنوان مظهر آزادی و دموکراسی یونان در برابر پیدایش و خودکامی شرق ستوده اند. اما نباید فراموش کرد که اسکندر در چشم بسیاری از یونانیان جنابری بزرگ و دشمن دموکراسی بود. اسکندر شاگرد ارسطو بود و نمیتوان پذیرفت که ارسطو